

## رویکردهای اقتصادی به تفسیر متون و مقایسه آنها با دیدگاه‌های اصالة

### الظهوری و مقاصدی

(مقاله علمی-پژوهشی)

سیدعلیرضا شکوهیان\*

مجتبی قاسمی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

### چکیده

این تحقیق در پی پاسخگویی به این پرسش است که چگونه می‌توان میان رویکردهای اقتصادی تفسیر و دیدگاه‌های تفسیری در اسلام، سازگاری برقرار کرد و تفسیری با بیشترین میزان تحقق منافع عمومی ارائه نمود؟ رویکردهای اقتصادی در تفسیر متون، به سه قسم عمده تقسیم می‌شوند؛ در رویکرد نخست، بیش از هر چیز بر متن و تفسیر لفظی آن تأکید می‌شود. از این منظر، با پذیرش اصل «قانون‌گذار کم‌هزینه»، فرض بر این است که بررسی‌ها و تحلیل‌های لازم در جریان وضع انجام پذیرفته است و بررسی مجدد پیامدهای اعمال و جستجوی تفسیر بهینه، صرفاً به ایجاد هزینه‌های مضاعف و اتلاف منابع می‌انجامد. رویکرد دوم به منشأ وضع توجه دارد و با مدنظر قرار دادن نقش «گروه‌های ذی‌نفع» یا «منفعت عمومی» در وضع قانون، بر «بازسازی ذهنی» فرایند وضع تأکید می‌کند. رویکرد سوم نیز تفسیر را تابع بررسی پیامدها و هزینه‌ها و منافع آن می‌داند و تفسیری را ترجیح می‌دهد که به لحاظ اقتصادی بهینه و کارا باشد. حال، ترجیح یکی از این قواعد تفسیری یا جمع میان آنها و شناسایی نظریه اقتصادی تفسیر، نکات بدیعی چون بهره‌مندی از مفهوم اجتماعی ضرر (در رویکرد اصالة‌الظهوری) و یا پررنگ کردن برخی مقاصد شرع از قبیل حفظ مال (در رویکرد مقاصدی) برای تأیید استفاده از تحلیل‌های اقتصادی پیش از تفسیر لفظی، فراهم می‌آورد.

### کلید واژگان:

تحلیل اقتصادی، بازسازی ذهنی، قانون‌گذار کم‌هزینه، گروه‌های ذی‌نفع، تفسیر لفظی.

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)  
Shokuyan\_sbu@yahoo.com

\*\* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

Mojtaba\_ghasemi@sbu.ac.ir

## مقدمه

تفسیر قانون را می‌توان کشف مقصود قانون‌گذار از طریق به کار بردن قواعد و مقررات ادبی یا منطقی یا استفاده از سوابق تاریخی دانست که اساساً در دو فرض به کار گرفته می‌شود؛ زمانی که مفهوم قانون روشن نباشد یا علی‌رغم روشن بودن مفهوم قانون، سعه یا ضیق مدلول آن محل تردید باشد.<sup>۱</sup> به منظور تبیین این اجمال که ضرورتاً نه به‌خاطر ضعف مؤلف، بلکه به سبب گذشت زمان و فاصله زمانی میان وضع و تفسیر رخ می‌دهد،<sup>۲</sup> نظام‌های حقوقی مختلف، راهکارهای تفسیری متفاوتی را برگزیده‌اند. در نظریات اصولیین مسلمان نیز طیفی از رویکردهای لفظ‌گرا، زمینه‌گرا، قصدگرا و مقصدگرا استخدام شده‌اند تا به حل این اجمال بپردازند. در حقوق کامن‌لا نیز قواعدی برای تعیین شفاف یا مبهم و قابل تفسیر بودن یک متن ارائه شده است؛ قواعدی مانند «معنای ساده»،<sup>۳</sup> «تفسیر قانون با توجه به اهداف آن»<sup>۴</sup> و «قاعده طلایی».<sup>۵</sup>

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱.  
 ۲. الشریف، محمدمهدی و حمید آرایی، *پلورالیسم استدلال حقوقی در پرتو تفسیرهای متعارض*، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۰۷، ص ۱۵.

### 3. Plain meaning rule

بهموجب این قاعده که گاهی از آن تحت عنوان «تفسیر لفظی» یا همان «تفسیر ادبی» یاد می‌شود، زمانی یک عبارت را شفاف و بی‌نیاز از تفسیر قلمداد می‌کنند که یک معنای معمول داشته باشد. درواقع، این قاعده بیان می‌دارد که باید الفاظ را بر معنای معمول آن حمل کرد. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

Burton, Steven J., "A Lesson On Some Limits of Economic Analysis: Schwartz and Scott on Contract Interpretation", *Indiana Law Journal*, Vol.88, Issue.1, Article6, 2013, p.343.

۴. بهموجب این قاعده که به قاعده «دعوی هیدون» شهرت دارد، در موارد ابهام قانون، دادگاه می‌تواند با مراجعه به وضع پیش از تصویب و بررسی خلل و نواقصی که قانون مزبور به‌منظور تدارک و چاره‌جویی آن به تصویب رسیده، درصد رفع ابهام و کشف مراد مقنن برآید. (برای مطالعه بیشتر در این خصوص؛ ر.ک: امید، جلیل، *تفسیر قانون در حقوق انگلستان*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۷۶، شماره ۳۸، صص ۹۶ و ۹۷).

### 5. Golden rule

«قاعده طلایی» یا همان «رویکرد هدف‌گرا» در دو مورد به کار گرفته می‌شود: (۱) هنگامی که الفاظ و عبارات قانون، دارای دو یا چند معنی باشد و بتوان تفسیرهای گوناگون از آن به عمل آورد. در اینجا دادگاه از میان معانی محتمل و تفاسیر گوناگون، تفسیری را برمی‌گزیند که به نتایج نامعقول منتهی نمی‌گردد. لذا از این حیث تعارضی با قاعده تفسیر لفظی یا ادبی نخواهد داشت. (۲) گاهی متن قانون بیش از یک معنی را برنمی‌تابد، اما دادگاه تفسیری معقول‌تر از معنی ظاهری از آن به عمل می‌آورد. در اینجا تفسیر لفظی به نفع قاعده طلایی کنار می‌رود. (برای مطالعه بیشتر در این خصوص؛ ر.ک: همان، صص ۹۲ و ۹۳).

در کنار این نظریات، در جریان ظهور و توسعهٔ مکتب «حقوق و اقتصاد»<sup>۱</sup> یا «تحلیل اقتصادی حقوق»<sup>۲</sup> نظریات تفسیری جدیدی نیز با ابتدای به یافته‌های نظریه‌پردازان این حوزه شکل گرفت. اگر تاکنون حقوق‌دانان معتقد بودند که حقوق در پی تحقق ارزش‌هایی متعالی همچون نظم و امنیت و عدالت است و مفسر مکلف به در نظر داشتن این ارزش‌ها در انتخاب روش تفسیری متناسب،<sup>۳</sup> اکنون نظم اقتصادی بازار، امنیت اقتصادی کنشگران و عدالت اقتصادی نیز به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است. علاوه‌براین، این رویکرد، تقسیم‌بندی سنتی قواعد تفسیر را نیز دستخوش تغییراتی کرد.

نظریات اقتصادی، گاهی عیناً بر نظریات سنتی تفسیر منطبق می‌شوند و در واقع، ادله و توجیهاات جدیدی را برای دفاع از آن ارائه می‌کنند، گاهی بین دو نظریهٔ تفسیری قرار می‌گیرند و گاهی نیز قلمروی جدیدی را برای حکومت انتخاب می‌کنند. در اینجا، تعامل و تقابلی میان نظریهٔ اقتصادی تفسیر و نظریات تفسیری اصولیین مسلمان شکل می‌گیرد که تبیین آن می‌تواند منشأ نوآوری‌های فقهی و حقوقی عدیده‌ای در تفاسیر اصولی گردد؛ بنابراین، در این پژوهش سعی خواهد شد تا در قالب دو مبحث مجزا، بدواً به رویکردهای اقتصادی در تفسیر متون (شامل نظریه قانون‌گذار کم‌هزینه، بازسازی ذهنی با تأکید بر منشأ وضع و توجه به هزینه‌ها و منافع در مقام تفسیر) و سپس به مقایسهٔ آن با دو دیدگاه مشهور اصولی (رویکردهای اصالة‌الظهوری و مقاصدی)، پرداخته شود.

## ۱. رویکردهای اقتصادی در تفسیر متون

رویکرد اقتصادی در تفسیر متون را می‌توان در قالب سه رویکرد عمده پیگیری کرد: نخست، نظریهٔ «قانون‌گذار کم‌هزینه» است که با استفاده از ابزارهای اقتصادی، سعی در تأکید مجدد بر همان نظریات سنتی دارد؛ دوم، نظریهٔ «بازسازی ذهنی» است که به منابع و ریشه‌های اقتصادی وضع اشاره و بر همین اساس، سعی در تکرار تجربه واضع دارد؛ سوم، نگاهی پیامدگرا به تفسیر

1. Law and Economics

2. Economic Analysis of Law

۳. کاتوزیان، ناصر، *شیوه تجربی تحقیق در حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱.

است که رویکرد تفسیری برتر را با عیار بیشینه‌سازی منفعت می‌سنجد. شرح این سه عنوان، اساس بحث در این مبحث را شکل می‌دهد.

### ۱.۱. قانون‌گذار کم‌هزینه

بیشتر تحلیل‌های اقتصادی مربوط به فرایند قانون‌گذاری، خواه به صراحت و خواه به صورت ضمنی، فرض کرده‌اند که قوانین در زمان انشای آنها واضح نگارش شده‌اند؛<sup>۱</sup> اما رویکرد دیگری که در فهم حقوقی سنتی از تفسیر قضایی وجود داشته، آن است که چه زمانی نظام قضایی باید به ساختار قانون پایبند باشد و یا چه زمانی نظام قضایی باید نگاهی وسیع‌تر به قصد مقنن داشته باشد؛ به طوری که برخی وضعیت‌ها که در محدوده الفاظ قانون نمی‌گنجد، کماکان در ظرف این الفاظ تعریف شود.

یکی از مهم‌ترین معیارهایی که تحلیل‌گران اقتصادی حقوق ارائه کرده‌اند، نظریه «قانون‌گذار کم‌هزینه»<sup>۲</sup> است؛ بنابر این نظریه، دادگاه‌ها باید به گونه‌ای تصمیم‌گیری کنند که کمترین انحراف را از تصمیم و الفاظ مقنن داشته باشند؛ چراکه مقنن برای تعیین اینکه در چه پرونده‌هایی و تحت چه شرایطی یک مقرر باید اعمال شود، زمان، منابع و اطلاعات کافی را در اختیار داشته است؛ بنابراین، پیرو این گزاره اثباتی، گزاره‌ای هنجاری مبنی بر ضرورت تلاش نظام قضایی برای کاهش هزینه‌ها و تبعیت از طریق مقنن شکل گرفته است.

حال، اگر فرض بنیادین ما در خصوص فعل مقنن تغییر یابد، نتایج حاصله نیز تغییر خواهند کرد. از این رو، اگر فرایند قانون‌گذاری در زمان محدود و بر اساس اطلاعات، بصیرت و آینده‌نگری محدود انجام پذیرد، ضرورتاً با قوانینی مبهم مواجه خواهیم بود. الفاظ قانون برای اشخاص مختلف، معانی متفاوتی دارد؛ مفاهیم قانونی برای برخی موسّع و برای دیگری مضیق پدیدار می‌شود و تغییر در اوضاع و احوال موجب می‌شود که این قوانین نتوانند در پرونده‌های جدید به کار گرفته شوند. لذا قضات از مسیر حرکت چنین قوانینی منحرف می‌شوند. در اینجا است که تحلیل‌های اقتصادی ورود می‌کنند. این تحلیل‌ها نشان خواهند داد که چگونه می‌توان کم‌هزینه‌ترین انحراف را از قانون داشت.<sup>۳</sup> پس شاید بتوان این نظریه را به عنوان راهکار اولیه در نظر گرفت، اما یقیناً باید این نظریه را نقطه شروع بررسی‌ها در نظر گرفت و با احتمال زیاد،

1. Rizzo, Mario J. and Arnold, Frank S., "An Economic Framework for Statutory Interpretation", *Law and Contemporary Problems*, Vol.50, No.4, Autumn 1987, p 165.

2. Costless Legislature

3. Ibid, pp 166-169.

امکان توقف در این نقطه وجود نخواهد داشت؛ زیرا در این رویکرد، پیش‌فرض‌هایی مقبول انگاشته شده‌اند که پذیرش آنها محل تردید است.

نقص مقررات یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است و به‌سختی می‌توان مقرره‌ای را یافت که بتواند تمامی حالات محتمل از یک واقعیت را پوشش دهد و با گذشت زمان نیز خللی در اعمال آن رخ ندهد. حتی برخی نظریه‌پردازان معتقدند که عدم ذکر برخی جزئیات در وضع مقرره ابزاری برای بهینه‌سازی فرایند مقرره‌گذاری است و با این کار، قانون‌گذار به‌صورت پیشینی برخی تکالیف خود را بر عهده قاضی قرار داده است که او باید با در نظر گرفتن شرایط خاص هر پرونده آن را تعیین تکلیف کند. لذا آشکار می‌شود که تفسیر قضات و ورود برداشتهای شخصی آنها بعضاً اجتناب‌ناپذیر و حتی منبعث از اراده مقنن است.<sup>۱</sup>

## ۱.۲. بازسازی ذهنی با تأکید بر منشأ وضع

بنا بر نظر جاناتان مکی، قضاتی که به روش‌های سنتی وضع قانون تمسک می‌جویند، بیش از آنکه بر ریشه‌ها و مآخذ قانون تمرکز کنند، بر الفاظ آن تأکید دارند. این قضات هرچند که قوانین تضمین‌کننده منفعت عمومی را به‌طور موسّع تفسیر می‌کنند و از این حیث کارکرد مطلوبی دارند، اما در تفسیر قوانین متضمن منفعت خصوصی موفق نخواهند بود.<sup>۲</sup> لذا تفسیر دقیق قوانین، از طریق شناخت اساس و منشأ وضع آن میسر خواهد بود؛ بنابراین، همین نقطه به سرآغاز دیدگاه تفسیری برخی تحلیل‌گران اقتصادی حقوق، بدل می‌شود.

یکی از این نظریه‌پردازان، قاضی پازنر است. نظریه پازنر، با تحقیق در موجبات و اهداف وضع آغاز می‌شود. اقتصاددانان در این خصوص که هدف از قانون‌گذاری چیست، از نظریات مختلفی پیروی می‌کنند. رویکرد پازنر نیز ترکیبی از این دو نظریه مهم اقتصاددانان است: «نظریه منفعت عمومی»<sup>۳</sup> و «نظریه گروه‌های ذی‌نفع»<sup>۴</sup>. بر اساس نظریه منفعت عمومی، فرایند قانون‌گذاری برای خاتمه دادن به شکست‌های بازاری<sup>۵</sup> قابل رفع است؛ اما در نظریه گروه‌های ذی‌نفع، اعتقاد

1. Parisi, Francesco and Fon, Vincy, *The Economics of Lawmaking*, Oxford University Press, 2009, p.9.

2. Wald, Patricia, "Limits On the Use of Economic Analysis in Judicial Decision-making", *Law and Contemporary Problems*, Vol.50, No.4, Autumn 1987, p.242.

3. Public interest theory

4. Interest group theory

۵. «شکست بازار (Market Failure)» به نواقص کارکردی بازار گفته می‌شود که سازوکارهای خودتنظیم بازار به نحو مؤثری امکان رفع آن را نداشته و مداخله دولت در بازار با حل این نواقص توجیه می‌شود (برای مطالعه بیشتر، ←

بر این است که قوانین نیز کالاهایی هستند که مانند سایر کالاها، مورد معامله واقع می‌شوند و برای آن عرضه و تقاضا وجود دارد. در بازاری که برای این کالا وجود دارد، گروه‌های ذی‌نفع، به دلیل قدرت و نفوذ خود در دستگاه قانون‌گذاری، قانون‌گذار را تحریک می‌کنند تا به محرک‌هایی حقوقی و غیرحقوقی پاسخ دهد و از این رهگذر، قواعدی وضع شود تا بتواند ثروت را به سمت این گروه‌ها بازتوزیع کند.<sup>۱</sup>

پازنر بر این باور است که گروه‌های ذی‌نفع، هیچ ارتباطی با منفعت عمومی ندارند؛ آن‌ها می‌خواهند تا با توسعه بازتوزیع ثروت از گروه‌های بزرگ به سمت گروه‌های کوچک، قانون را به صورت هدفمند از منفعت عمومی منحرف سازند؛ بنابراین، منفعت عمومی، کارآمدی و برابری را توسعه می‌دهند، درحالی‌که گروه‌های ذی‌نفع به دنبال «بازتوزیع ضداخلاقی» هستند.<sup>۲</sup> نکته قابل توجه آنکه به عقیده پازنر و ایستربروک، بسیاری - اگر نگوئیم اغلب - قوانین مبتنی بر همین منافع‌اند و با فشار گروه‌های خاص به تصویب رسیده‌اند.<sup>۳</sup> لذا بر پایه چنین مفهومی از قانون و منشأ وضع آن، پازنر معتقد است که باید طوری قانون مبتنی بر نفع عمومی را تفسیر کرد که بتواند به بهترین شکل منفعت عمومی را حاصل کند؛ همچنین، باید قانون مبتنی بر گروه‌های ذی‌نفع را به گونه‌ای تفسیر کرد تا صرفاً منفعت محدودی را که قانون‌گذار به دنبال آن بوده است، حاصل کند؛<sup>۴</sup> بنابراین، تفسیر قوانین مبتنی بر منفعت عمومی، به نحو موسّع و تفسیر قوانین مبتنی بر منافع گروه‌های خاص، به نحو مضیق خواهد بود.<sup>۵</sup> البته مزیت تفکیک این دو منشأ، تنها به موسّع یا مضیق بودن تفسیر محدود نمی‌شود؛ بلکه پازنر، روش تفسیری خود، یعنی «بازسازی ذهنی»<sup>۶</sup> را نیز بر این اساس پایه‌گذاری می‌کند.

→ ر.ک: سن، میریام، *تنظیم بازار بدون مداخله دولت (ساخت تغییرات نهادی)*، ترجمه سیدعلیرضا شکوهیان، حامد ادریسیان و حیدر سلامی، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۹۷، صص ۲۸-۳۳.  
 ۱. این نظریه را می‌توان فرعی از «قاعده مزایده (Auction Rule)» قاضی پازنر دانست. بر این اساس، قانون هم همانند هر کالای دیگری، به کسی تعلق خواهد گرفت که بیشترین ارزش را برای آن قائل است و می‌تواند برای به دست آوردن آن بیشتر هزینه کند.

2. Cohen, George M., "Posnerian Jurisprudence and Economic Analysis of Law: The View from the Bench", *University of Pennsylvania Law Review*, Vol.133, Iss.5, 1985, pp 1128,1129.

3. Wald, Patricia, op.cit., p.240.

4. Cohen, George M., op.cit., p.1129.

5. Wald, Patricia, op.cit., p.240.

6. Imaginative reconstruction.

در دیدگاه تفسیری پازنر، آنچه بسیار حائز اهمیت است، بازسازی ذهنی مذاکرات قانونی است و اینکه قاضی، قانون‌گذار را در مقام حل و فصل خصومت تصور کند؛ لذا باید تصور کند که اگر قانون‌گذار با این مقرر در مقام فصل خصومت مواجه می‌شد، چگونه آن را تفسیر می‌کرد.<sup>۱</sup> در این رویکرد، الفاظ، تاریخچه قانون و ارزش‌ها و خصایص حاکم بر زمان وضع و همچنین توجه قانون‌گذار به تفسیرهای قضایی آتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup> در واقع او قانون‌گذار و قضات را به فرمانده و سربازان او تشبیه می‌کند؛ لذا اگر ابزار ارتباطی میان فرمانده و سربازان قطع شود، یقیناً سربازان باید در کارزار جنگ تصور کنند که اگر اوامر به آنها واصل می‌شد، مضمون آن چه می‌بود؟<sup>۳</sup>

پازنر تأکید می‌کند که شناسایی منشأ وضع قانون برای قضات کاری دشوار است و با توجه به غلبه قوانین مبتنی بر منفعت گروه‌های ذی‌نفع، در مقام شک، باید اولویت را بر این قسم از قوانین نهاد. البته او نمی‌خواهد تفسیر را به شناسایی «قصد نگارندگان آن» خلاصه کند، بلکه شناسایی مراد از وضع قانون، مستلزم تحقیقاتی تاریخی است که عموماً مراجع قضایی چنین امکانی ندارند. حتی اگر قضات بتوانند چنین تحقیقاتی را به انجام رسانند، باز هم عدم اطمینان موجود در این تحقیقات، به نتایج غیرقابل اتکایی منجر خواهد شد.<sup>۴</sup>

### ۱.۳. توجه به هزینه‌ها و منافع در مقام تفسیر

«آینده‌نگر»<sup>۵</sup> یا «گذشته‌نگر»<sup>۶</sup> بودن نسبت به مسائل، تفاوت حقوق سنتی و روش اقتصادی را نشان می‌دهد. حقوق‌دانان به گذشته و مآل توجه دارند. از منظر تصمیمات قضایی نیز به

1. Posner, Richard A., "Statutory Interpretation: In the Classroom and in the Courtroom", *University of Chicago Law Review*, Vol.50, No.800, 1983, p 817.

۲. دیدگاه پازنر در رابطه با تفسیر را شاید بتوان، ارجاعی هوشمندانه به دیدگاه تفسیری «امیلیو بتی»، مورخ ایتالیایی علم حقوق دانست. از نظر بتی، «تأویل، ضرورتاً بازشناسی و بازسازی معنایی است که مؤلف آن با استفاده از مواد خاصی که دارای وحدت است، توانسته تجسم ببخشد. البته مراد از این سخن آن است که ناظر، باید به صورت فاعلی بیگانه درآید و از طریقی معکوس، با عمل خلق، به آن اندیشه یا تأویل متجسم در موضوع تأویل بازگردد». جهت مطالعه بیشتر نظریات تفسیری بتی، ر.ک: پالمر، ریچارد ا.، *علم هرمنوتیک: نظریه تأویل در فلسفه‌های شلایر ماخر، دیلتای، هایدگر، گادامر*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس، چاپ نهم، ۱۳۹۵، صص ۷۰-۶۴.

3. Posner, Richard A., *The Problems of Jurisprudence*, Harvard University Press, 1993, p 270.

4. Cohen, George M., op.cit., pp 1129,1130.

5. Prospective

6. Retrospective

پیامدهای واقعی سطح خرد توجه می‌شود و به پیامدهای واقعی سطح کلان چندان اعتنایی نمی‌شود؛ اما از منظر اقتصادی، وضعیت متفاوت است و بیشتر توجهات بر پیامدهای واقعی سطح کلان و اینکه کیفیت اجرای قانون و رویه قضایی چه تأثیری بر رفتارهای آینده دارد، متمرکز است. به این روش ارزیابی «کارایی تخصیصی»<sup>۱</sup> نیز گفته می‌شود؛<sup>۲</sup> بنابراین، در تفسیر اقتصادی تنها به تفسیر مقررهای خاص توجه نمی‌شود، بلکه مجموعه مواردی که ممکن است در آینده موضوع تفسیر قرار گیرند، نیز مدنظر قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup>

به‌عنوان مثال، برخی نویسندگان از «قاعده هند»<sup>۴</sup> در تفسیر مفهوم «تقصیر» در قواعد مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به‌عنوان یکی از اقسام به‌کارگیری پیامدگرایی و توجه به منطقی اقتصاد در تفسیر یادکرده‌اند.<sup>۵</sup> تعریف تقصیر و اینکه چه زمانی می‌توان یک شخص را مقصر و متعاقباً مسئول دانست، همواره از موارد چالش‌برانگیز و غیرقطعی در ادبیات حقوقی بوده است؛ اما با ظهور این قاعده، سعی شد تا با توجه به پیامدهای ناشی از تفسیر بر رفتار دیگر کنشگران و هزینه‌های اجتماعی منبعث از آن، کارآمدترین تفسیر برای این مفهوم انجام پذیرد. لذا النهایه این مفهوم چنین تفسیر شد که دادگاه تنها زمانی باید یک شخص را مقصر بداند که انجام اقدامات

1. Allocative efficiency

2. Mathis, Klaus, Consequentialism in Law, in «Efficiency, Sustainability, and Justice to Future Generations», Klaus Mathis (Ed), Springer, 2011, p.6.

همچنین، برای شناخت مفهوم «کارایی تخصیصی»، ر.ک: دادگر، یدالله، *اصول تحلیل اقتصادی: خرد و کلان*، تهران: آماره، چاپ دوم، ۱۳۹۲، صص ۷۳ و ۷۴.

۳. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک: یوری، اسدالله، مهدی مرادی برلیان و پرهام مهرآرام، *اصول و معیارهای تفسیر*

*قضایی در حقوق عمومی*، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۵۱.

۴. این قاعده به نام قاضی «لیرند هند» نام‌گذاری شده است؛ بر اساس این قاعده، تنها وقتی باید شخص زیان‌زننده را مقصر و مسئول جبران خسارات وارده تلقی کنیم که هزینه‌های احتیاطی او (B)، کمتر از احتمال وقوع حادثه (P) ضربدر میزان خسارات ناشی از آن حادثه (L) باشد؛ یعنی:  $B < PL$ . (برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک: فار، مایکل، *تحلیل اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی (بخش نخست: قواعد مسئولیت مدنی کارا)*، ترجمه سیدعلیرضا شکوهیان و حامد ادریسیان، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۶، صص ۱۵ و ۱۶).

5. Mathis, Klaus, op.cit, p 20.



احتیاطی برای او، کم‌هزینه‌تر از خساراتی باشد که در اثر بی‌احتیاطی وی به بار می‌آید.<sup>۱</sup> تفسیری که در رفتار آتی کنشگران نیز اثر خواهد داشت و سطح احتیاط و سطح فعالیت آن‌ها را در حدی بهینه حفظ خواهد کرد.<sup>۲</sup>

چنان‌که ملاحظه شد، با این رویکرد، قاضی هم‌زمان تحلیلی اقتصادی از کیفیت تفسیر قانون و اعمال آن در هر مورد خاص را ارائه می‌دهد. لذا از این منظر، نظریه اقتصادی تفسیر، بسیار به رویکرد عمل‌گرایانه<sup>۳</sup> نزدیک خواهد شد و قانون در خدمت نیازهای انسانی قرار خواهد گرفت.<sup>۴</sup> با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع هریک از راهکارهای تفسیری موجود، تفسیر بهینه انتخاب می‌شود<sup>۵</sup> و ابزارگرایی<sup>۶</sup> (استفاده ابزاری از قواعد حقوقی)، کارکردگرایی<sup>۷</sup> و نگاه فایده‌گرایانه<sup>۸</sup> جای خود را در عالم تفسیر، پررنگ‌تر خواهد یافت.<sup>۹</sup>

بنابراین، موسع و مضیق تفسیر کردن متون، دیگر تابع سلیقه مفسر نخواهد بود، بلکه باید با هزینه‌ها و منافع آن همخوانی داشته باشد. گاهی موسع تفسیر کردن یک قانون، نسبت به مضیق تفسیر کردن آن، هزینه کمتری را به دنبال دارد و بالعکس؛ چنان‌که در خصوص شناسایی و عدم شناسایی حقوق بنیادین این‌گونه است و نادیده گرفتن آن پرهزینه‌تر از شناسایی ناصواب آن خواهد بود.<sup>۱۰</sup>

فارغ از محاسن انکارناپذیر به‌کارگیری این قواعد تفسیری، این ملاحظات با انتقاداتی از جمله عدم «قطعیت حقوقی»،<sup>۱۱</sup> عدم «برابری حقوقی»،<sup>۱۲</sup> «تحمیل باری مضاعف بر دادگاه‌ها»<sup>۱۳</sup> و به

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص معیار لیرند هند و تحلیل‌های اقتصادی و حقوقی مربوط به آن، ر.ک: شکوهیان، سید علیرضا، *تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی پزشکی*، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵، صص ۵۲-۵۸.

۲. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک: امینی، منصور و سیدعلیرضا شکوهیان، *بهینه‌یابی در کارکرد قاعده مسئولیت مبتنی بر تقصیر؛ با تأکید بر مسئولیت مدنی پزشکی*، تحقیقات حقوقی، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۷۶.

3. Pragmatism

۴. کیوانفر، شهرام، *پراگماتیسم حقوقی*، تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴۶، صص ۱۶۵.

۵. گلشنی، عصمت و سید مهدی حسینی مدرس، *مقایسه اثر مکاتب تفسیری اقتصادی و فرمالیستی بر حقوق*، دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۷، صص ۵۹.

6. Instrumentalism

7. Functionalism

8. Utilitarianism

۹. همان، صص ۶۰.

10. Rizzo, Mario J. and Arnold, Frank S., op.cit, p.175.

11. Legal certainty

12. Legal equality

13. Overburdening the courts

خطر انداختن «استقلال آنها»<sup>۱</sup> مواجه بوده‌اند.<sup>۲</sup> هرچند می‌توان به سایر انتقادات پاسخ داد،<sup>۳</sup> اما کماکان این اشکال باقی است که ضرورت بررسی کارایی تفسیر مدنظر قاضی در هر پرونده مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار زیاد است که بر جامعه و بودجه عمومی تحمیل می‌شود. البته علی‌رغم این انتقاد، کماکان نمی‌توان به‌طور کلی استفاده از ابزارهای اقتصادی در تفسیر را کنار گذاشت.<sup>۴</sup>

## ۲. مقایسه نظریه اقتصادی تفسیر با رویکردهای اصالةالظهوری و مقاصدی

در مبحث نخست، نظریه اقتصادی تفسیر و رویکردهای متفاوت به آن مورد بحث قرار گرفت؛ اما آنچه باید مدنظر قرار گیرد، کیفیت تعامل این نظریه با رویکردهای مهم تفسیری اصولیین است. بدین منظور، رویکرد اصالةالظهوری به جهت کثرت استعمال و رویکرد مقاصدی به دلیل قرابت بیشتر آن با یافته‌های تحلیل اقتصادی حقوق، انتخاب شده‌اند.

### ۲.۱. رویکرد اصالةالظهوری و تعامل آن با نظریه اقتصادی تفسیر

رویکرد اصالةالظهوری به‌عنوان یکی از پرکاربردترین قواعد تفسیری، بیشترین مدافعان و منتقدان را به خود اختصاص داده است. لذا مقایسه آن با نظریه اقتصادی تفسیر می‌تواند این دفاعیات و انتقادات را از منظر دیگری به بحث بگذارد. لذا بند نخست به تبیین این رویکرد و بند دوم به مقایسه آن با نظریه اقتصادی تفسیر می‌پردازد.

#### ۲.۱.۱. رویکرد اصالةالظهوری و نسبت آن با دیگر رویکردهای تفسیری

بنابر دیدگاه اصالةالظهوری اصولیین، در مقام شک میان معنای ظاهری و سایر معانی محتمل، باید به اصول لفظیه مانند اصالةالحقیقه، اصالةالعموم، اصالةالاطلاق، اصالة عدم تقدیر و اصالةالظهور مراجعه کرد.<sup>۵</sup> البته در نگاهی دقیق‌تر می‌توان تمام این اصول را از تجلیات اصالةالظهور دانست. مورد این اصل آنجا است که لفظ در معنای خاصی ظهور داشته باشد، اما

1. Independence of the courts

2. Mathis, Klaus, op.cit, p.6.

۳. برای مطالعه انتقاد «عدم قطعیت حقوقی» و پاسخ به آن؛ ر.ک: شهابی، مهدی؛ «تحلیل اقتصادی حقوق» در کشاکش مدرنیته حقوقی و پست مدرنیته حقوقی، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱، صص ۲۷۲-۲۷۰.

4. Mathis, Klaus, op.cit, p.8.

۵. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۹، ص ۸۹.

صریح نباشد و اراده خلاف ظاهر محتمل باشد؛ اما با احتمالی ضعیف<sup>۱</sup> پس در ظهور دو احتمال وجود دارد: احتمال راجح و احتمال مرجوح؛ اما معنای راجح، همان معنای ظاهری است.<sup>۲</sup> لذا در اینجا است که اصل بر ظاهر کلام قرار گرفته و از آن تبعیت می‌شود<sup>۳</sup> و این رهیافت به ظهور، از لفظ ضابطه‌ای جمعی<sup>۴</sup> به دست می‌دهد و با وضعی بودن الفاظ نیز تناسب دارد.<sup>۵</sup>

واضح است که این معنای برگرفته از ظاهر، ظنی است و به عبارت بهتر، ظن معتبری است که بنای عقلا و شارع بر آن صحه گذاشته است. این ظن تا جایی معتبر است که قرینه‌ای برخلاف آن نباشد؛ اما آیا آثار سوء ناشی از ظاهر حکم قانون یا وجود مقاصدی دیگر در روح و جان دیگر قوانین، نمی‌تواند عاملی برای عبور از معنای ظاهری باشد؟ اصالة‌الظهور در معنای عرفی آن، آخرالدواء است و جایی که معنای دیگری را نتوان از کلام شارع یا مقنن برداشت کرد، می‌توان بدان تمسک کرد. پس این اصل مستمسکی برای عافیت‌طلبی، راحت‌جویی و دوری از تدبیر و تفقه نیست؛ بلکه پس از کنکاش‌های لازم برای فهم معنای لفظ و عدم حصول به نتیجه مطلوب، در صورتی که ظنی برخلاف معنای ظاهری و عرفی نباشد، می‌توان به این ظن استناد و معنای ظاهری را ملاک عمل قرار داد.<sup>۶</sup>

رویکرد تاریخی به موضوع نیز مؤید نتایج فوق است. به نظر می‌رسد با توسعه یک‌باره قلمروی حکومت اسلامی و ضرورت ایجاد نظم و وحدت در امور تابعان این نظام، تفسیر و خوانشی از اسلام ضروری بود که به کار حکمرانی بیاید و کثرت قومی را تا حد ممکن، به یک

۱. گرجی، ابوالقاسم، *ادوار اصول فقه*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰.

۲. جعفری تبار، حسن، *فلسفه تفسیری حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳.

۳. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، جلد ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، ص ۲۷.

۴. ضابطه‌ای که با «قواعد زبانی» در ارتباط است و از دانش دقیقی به نام «زبان‌شناسی» کمک می‌گیرد. لذا علاوه بر اینکه از قطعیت بالاتری برخوردار است، سهل‌الوصول نیز خواهد بود؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

Gleave, Robert, *Islam and Literalism: Literal meaning and Interpretation In Islamic Legal Theory*, Edinburgh University Press, 2012, pp 1,2.

۵. آقای، کامران، *مکتب‌های تفسیری در حقوق بر بنیاد هرمنوتیک حقوقی*، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲. در این خصوص لازم به ذکر است که موضوع حجیت ظهور، حجیت «موضوعی» است که تابع قواعد زبانی بوده و نزد عرف ثابت است؛ نه حجیت «ذاتی» که امری نسبی است و در ذهن هر شخص به نحوی مجزا شکل می‌گیرد؛ عاملی، حسن محمد فیاض حسین؛ *شرح الحلقه الثالته*، جلد ۲، شرکه دارالمصطفی (ص) لایحه التراث، ۱۴۲۸ هـ.ق، صص ۳۶۱ و ۳۶۲.

۶. جعفری تبار، حسن، پیشین، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.

واحد سیاسی، اداری و حقوقی در کنترل قدرت مرکزی بدل کند. لذا روشی تفسیری با عناصر ذهنی و شخصی هرچه کم‌رنگ‌تر و عناصر عینی و بین‌الذهانی هرچه فربه‌تر مدنظر قرار گرفت.<sup>۱</sup> با این مقدمات مشخص می‌شود که اصالة‌الظهور، به‌جای آنکه به‌عنوان آخرین چاره برای استنباط معنا از کلام به کار گرفته شود، به‌عنوان تنها اصل تفسیری به کار گرفته شد؛ به بیان دیگر، معنای نهایی متن، به دلالت الفاظ متن پیوند خورد و همین امر، اسباب حدوث مناقشات جدی هرمنوتیک معاصر با این شیوه تفسیری را فراهم آورد؛<sup>۲</sup> اما اگر امتثال به امر شارع مدنظر باشد، بیان مرحوم بهبهانی جان تازه‌ای می‌یابد. ایشان در فایده بیست‌ونهم از کتاب *الفوائد الحائریه* می‌فرماید: «همان‌طور که تعدی ناروا، افترا به خداوند است، عدم تعدی و جمود بر لفظ نیز گاه همین حکم را دارد».<sup>۳</sup>

#### ۲.۱.۲. تعامل رویکرد اصالة‌الظهور با نظریه اقتصادی تفسیر

تدقیق در عبارات فوق نشان می‌دهد که آنچه به اصالة‌الظهور مشهور است، صرفاً راهی جبرای رفع تحیر و عدم مواجهه با عتاب شارع و مقنن در مقام امتثال به حکم است؛<sup>۴</sup> اما آیا راه برای ارائه تفسیری فایده‌گرایانه و احیاناً موافق با تحلیل‌های اقتصادی بسته است؟ از یک‌سو، لفظ‌گرایان متن را حداقل نقطه شروع تلقی می‌کنند (اگر آن را نقطه پایان ندانند) و عزیمت از معنای ظاهری به معنایی دیگر را مستلزم وجود قرینه می‌دانند و از سوی دیگر تکلیف مفسر را

۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، *رویکرد عدلیه‌ای به نظریه مقاصد و پیامدهای حقوق بشری آن*، تحقیقات حقوقی، پاییز ۱۳۹۵، شماره ۷۵، ص ۱۷.

۲. واسعی، سید محمد، *جایگاه عرف در فقه*، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۷، صص ۵۹ و ۶۰.  
۳. سیمایی صراف، حسین، *قیاس در استدلال حقوقی؛ مطالعه تطبیقی در فقه، نظام حقوقی ایران و کامن‌لا*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵. همین موضوع در ادبیات حقوقی و تفسیر اراده مقنن نیز قابل تصور است؛ چنان‌که به عقیده مؤلف کتاب دیو در شیشه، تفسیر ظاهرگرایانه و متعاقب آن «رأی ساخت‌گرا»، تقلیل حقوق به ساده‌ترین و روشن‌ترین وجه آن است. برای مطالعه بیشتر در خصوص تفکیک رأی «ساخت‌گرا»، «پساساخت‌گرا» و «ساخت‌شکن»؛ ر.ک: جعفری‌تبار، حسن، *دیو در شیشه؛ در فلسفه رویه قضایی*، تهران: نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۹۶، صص ۲۳۰-۲۱۹.

۴. حتی برخی نظریه‌پردازان با اشاره به این رویکرد، قاعده «معنای ساده» یا «معنای معمول» و آنچه تحت عنوان «لفظ‌گرایی» مطرح می‌شود، واجد اوصاف یک نظریه تفسیری نمی‌دانند؛ برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک:

Post, Robert, *Theories of Constitutional Interpretation, Representation*, University of California Press, No.30, Special Issue: Law and the Order of Culture, Spring 1990, p 14.

اعلام حکم مقنن یا شارع در نظر می‌گیرند، نه ساختن و پرداختن آن.<sup>۱</sup> این امر را می‌توان پیش‌فرض تفسیر لفظی قانون دانست. کنار گذاشتن متن قانون و تفسیر لفظی نیز با توجه به اینکه به بهانه ناسازگاری نتایج تفسیر با قصد قانون‌گذار، مراد مقنن را در منابع خارج از متن قانون جست‌وجو می‌کند، همواره مورد اتهام است و برخی این اقدام را برخورد ذهنی محض قاضی با قانون می‌دانند.<sup>۲</sup>

اما اعتقاد قاضی پازنر در خصوص تفاسیر لفظی نیز قابل توجه است. به عقیده پازنر، قضات، به‌ندرت تحلیل‌های خود را با توجه به الفاظ قانون پی می‌گیرند و شاید حتی بتوان چنین ادعا کرد که آنها اغلب اصلاً به متن قانون توجه ندارند.<sup>۳</sup> غالباً، قضات با توجه به رویه قضایی و پرونده‌های مطروحه تفسیر خود را آغاز می‌کنند و ممکن است هیچ‌گاه به الفاظ قانونی رجوع نکنند. حتی در تفسیر قوانینی که پرونده‌های مربوط به آن بسیار اندک‌اند، قضات باز هم گام نخست خود را در سرزمین الفاظ برنخواهند داشت؛ بلکه به برخی موضوعات وابسته به آن متن و اهداف احتمالی متن رجوع خواهند کرد. چنین رویکردی، صحیح است؛ زیرا فهم متن بدون توجه به برخی «زمینه‌ها»<sup>۴</sup> امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا قاضی پازنر نهایتاً چنین بیان می‌کند که قرار دادن ریشه‌های لفظی به‌عنوان نقطه شروع تفسیر، بیش از آنکه بر «تقدم منطقی»<sup>۵</sup> استوار باشد، بر «تقدم عرفی»<sup>۶</sup> قوام یافته است. البته الفاظ قانون، همواره مرتبط، اغلب تعیین‌کننده و معمولاً مهم‌ترین دلیل برای فهم مراد قانون‌گذار است.<sup>۷</sup>

پس علی‌رغم اختلاف ظاهری دو نظریه تفسیری فوق، هر دو در یک نقطه اشتراک دارند؛ آن‌هم اینکه سفر مفسر از سرزمین الفاظ شروع می‌شود. اما می‌توان گفت که این دو نظریه ناظر

۱. امیدی، جلیل، «همان منبع»، ص ۹۱؛ در واقع، بنا بر نظر دورکین، تفسیر باید تفسیر متن باشد و این امر مستلزم آن است که تا حد امکان، با ارجاع به متن صورت پذیرد. در غیراین صورت، با ابداع متن جدید مواجه خواهیم بود و نه تفسیر آن (برای مطالعه بیشتر؛ رک: مرمور، آندره، **تفسیر و نظریه حقوقی**، ترجمه محمدحسین جعفری و مهسا شعبانی، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۵۹).

۲. امیدی، جلیل، پیشین، ص ۹۴.

3. Posner, Richard A., "Statutory Interpretation: In the Classroom and in the Courtroom", *University of Chicago Law Review*, Vol.50, No.800, 1983, pp 807, 808.

4. Context

5. Logical priority

6. Temporal Priority

7. Ibid.

بر دو مرحله متفاوت‌اند. نظریه اقتصادی تلاش‌های خود را انجام می‌دهد تا مفسر به آخرین دواء محتاج نشود و اگر این تلاش مؤثر نباشد، چاره‌ای جز رفع تحیر با استفاده از رجوع به لفظ نیست. از سوی دیگر، می‌توان از عمومات «قاعده لاضرر» نیز در توجیه تحلیل‌های اقتصادی استفاده کرد؛ قاعده‌ای که هم ناظر به مرحله تشریح است و هم مرحله اجرا.<sup>۱</sup> لذا این سؤال مطرح می‌شود آیا شارعی که حکم ضرری ندارد و ضرری را غیرمتدارک باقی نمی‌گذارد، صرفاً زبان‌های وارده به اشخاص را نهی کرده است یا به طریق اولی، بر نهی از ورود ضرر به حکومت و کلیت جامعه اسلامی و منابع محدود آن نیز نظر داشته است؟ در این معنا حتی شاید بتوان آستانه مفهوم ضرر را تا فقد منفعت و هر آنچه که عرفاً ضرر تلقی شود، توسعه داد. به نظر می‌رسد قاضی و مفسر بتواند با استفاده از تحلیل‌های اقتصادی و استفاده از تفسیری که بیشترین منافع را برای جامعه به دنبال دارد، هم تصمیم و هم ابزار تفسیری خود را توجیه کند.<sup>۲</sup> لذا می‌توان این‌گونه برداشت کرد همان‌طور که در مرحله ورود ضرر به اشخاص این قاعده کارایی دارد، اگر تفسیری پیامدهای اجتماعی مطلوبی را در پی نداشته باشد و موجب اتلاف منابع و ورود زیان به اجتماع شود، باید از آن اجتناب شود.<sup>۳</sup> بنابراین، با استفاده از ارائه مفهومی جدید از قاعده لاضرر، مبتنی بر مفهوم اجتماعی ضرر، می‌توان مؤیدی برای استفاده از تحلیل‌های اقتصادی، پیش از به‌کارگیری تفسیر لفظی یافت.

## ۲.۲. رویکرد مقاصدی و تعامل آن با نظریه اقتصادی تفسیر

یکی از رویکردهای تفسیری بسیار مشهور در نظر اهل سنت، رویکرد مقاصدی است. این رویکرد به دلیل قرابت بسیار زیادی که با نظریه اقتصادی تفسیر دارد، انتخاب شده است و سعی خواهد شد تا ضمن تشریح آن، تعامل میان این دو رویکرد تفسیری به بحث گذاشته شود.

### ۲.۲.۱. رویکرد مقاصدی و نسبت آن با دیگر رویکردهای تفسیری

از قرن دوم هجری، برخی کوشیدند مقاصد شریعت را مشخص کنند. ابتدا جویی و سپس غزالی و پس از آن‌ها فخر رازی و آمدی به بحث از نظریه مقاصد پرداختند. اما شاطبی مقاصد

۱. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰.

2. Post, Robert, op.cit., pp 14,15.

۳. برای بررسی نمونه‌ای از این برداشت‌ها، ر.ک: محقق داماد، سیدمصطفی؛ *الهیات محیط زیست*، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ دوم، ۱۳۹۴، صص ۲۲۹ و ۲۳۰.

پنج‌گانه غزالی را به قواعد فقهیه تبدیل کرد و اجتهاد غایت‌نگر را مطرح نمود. در واقع، نظریه شاطبی، تعدیلی است میان جمود بر ظواهر الفاظ و تأویل بی‌قیدوبند. شاطبی برخلاف ظاهریه که فقط اعتقاد به حمل کلام بر ظواهر داشته‌اند و همچنین برخلاف باطنیه که تمام اعتبار را به قصد می‌دادند و قصد را صددرصد در ورای الفاظ جست‌وجو می‌کردند، به اعتبار لفظ و معنا معتقد است و به نوعی گذر از لفظ را نیازمند رعایت ضوابطی می‌داند.<sup>۱</sup> بنابراین، فقه مقاصدی با تکیه بر کلیات شریعت‌پردازی بنیان نهاده شد و از آن در استحکام بخشیدن به فهم نصوص جزئی استفاده کرد. به بیان دیگر، فقه مقاصدی نوعی برگرداندن متشابهات به محکمت و فروع به اصول است.<sup>۲</sup>

شاطبی تکالیف شرعی را ناظر بر حفظ مقاصدی می‌داند و این مقاصد را نیز در سه گروه «ضروریات»، «حاجیات» و «تحسینیات» تقسیم‌بندی می‌کند. مقصود او از ضروریات، آن دسته از قواعدی است که مصلحت دین و دنیا در گرو آن است؛ مجموع این ضروریات نیز شامل حفظ «دین»، «نفس»، «نسل»، «مال» و «عقل» بوده و حتی ایشان بر این باور است که این ضروریات در تمام ملل مراعات می‌شود.<sup>۳</sup> حاجیات نیز به مجموعه قواعدی اطلاق می‌شود که در مقام رفع ضیق و مشقت از مکلفین است؛ اما درجه اهمیت آن و توالی فاسد ناشی از ترک آن، به اهمیت ضروریات نیست. تحسینیات نیز از قسم مکارم اخلاق است.<sup>۴</sup> به‌طور خلاصه، به بیان برخی اصولیین، ضروریات با درء مفسد، حاجیات با جلب منافع و تحسینیات با مکارم اخلاق پیوند خورده است.<sup>۵</sup>

۱. پورسعید، رامین، **بررسی مهم‌ترین چالش‌های اصالة‌الظهور**، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال دوم، بهار ۱۳۸۴، شماره ۳، ص ۳۶.

۲. حسینی (زرفا)، سید ابوالقاسم، **مقاصدهای شریعت**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴.

۳. از نظر غزالی، هر آنچه متضمن حفظ این مقاصد باشد، مصلحت و هر آنچه که در مخالفت با آنها باشد مفسده است که دفع آن در زمره مصالح قرار می‌گیرد؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: غزالی طوسی، ابوحامد محمد بن محمد، **المستصفی**، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۱۷۴.

۴. شاطبی، ابواسحاق، **الموافقات فی اصول الشریعه**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ هـ.ق، صص ۲۲۳-۲۱۹.

۵. شنیطی، محمد الامین، **المصالح المرسله**، مدینه منوره: الجامعه الاسلامیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۶؛ حتی به بیان برخی اصولیین، مقاصد شریعت را می‌توان ناظر بر جلب منفعت و درء مفسده دانست.

Ibn Ashur, Muhammad Al-Tahir, *Ibn Ashur Treaties on Maqasid al-Shari'ah*, Translated from the Arabic and Annotated by: Mohamed El-Tahir El-Mesawi, London: International Institute of Islamic Thought, 2006, p 94.

برخی نیز به حصر مقاصد شریعت به پنج مورد پیش‌گفته قائل نیستند؛<sup>۱</sup> گروهی «عرض» را به این پنج مورد اضافه می‌کنند؛<sup>۲</sup> برخی نیز مانند ابن‌عاشور و قرضاوی، این ضروریات را تنها ناظر بر زندگی شخصی می‌دانند و از ضرورت شناسایی ضروریاتی اجتماعی مانند مساوات و عدالت یاد می‌کنند.<sup>۳</sup> اما نقطه مشترک و جوهره مباحث طرفداران نظریه مقاصد، آن است که شرع مقدس مقاصد کلانی دارد که متن را باید پیوسته ذیل این مقاصد تعریف کرد و تعارض نص با این مقاصد کلان از موجبات ضعف متن خواهد بود.<sup>۴</sup> اما در اینجا صرفاً به این مختصر کفایت شده و شرح و بسط این مقاصد و انتقادات وارده بر آن، به جای خود واگذار می‌شود.<sup>۵</sup>

## ۲.۲.۲. تعامل رویکرد مقاصدی با نظریه اقتصادی تفسیر

با توجه به ترتیبات فوق، باید بررسی شود که آیا می‌توان پیوندی میان نظریه مقاصد و رویکرد اقتصادی در تفسیر ایجاد کرد؟ به نظر می‌رسد پاسخ مثبت است. این پاسخ، با قبول تقدم و تأخر میان مصالح و اهداف وضع قواعد، حاصل خواهد شد.<sup>۶</sup> بدین شرح که اگر «حفظ مال» به عنوان یکی از ضروریات و مقاصد کلی شرع در نظر گرفته شد، پس تفاسیری که در خصوص قواعد و قوانین مالی به عمل می‌آیند، باید به کیفیتی انجام گیرند که موجب تفویت اموال (به‌ویژه

۱. البته راه‌حل دیگری نیز برای توسعه دامنه «مقاصد شریعت» اندیشیده شده است. یکی از این راهکارها، بسط دامنه مفهوم «حفظ» است؛ لذا با بازتعریف مقصود از «حفظ»، حتی بعضاً حکم به جواز سانسور برخی مسائل توسط حکومت، برای «حفظ عقل» شده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک:

Opwis, Felicitas, *New Trends in Islamic Legal Theory: Maqasid al-Sharia as a New Source of Law*, Die Welt Des Islams, Vol.57, Iss.1, 2017, p 29.

۲. شنبیطی، محمد الامین، *اصول البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن*، جلد ۳، مجمع الفقه الاسلامی، بی‌تا، ذیل تفسیر سوره بنی اسرائیل، ص ۵۳۴.

۳. نقشبندی، سید نوید، *نظریه حصر ضروریات در مقاصد خمس*، مقالات و بررسی‌ها، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۸۵، صص ۱۰۶-۱۰۴.

۴. نوبهار، رحیم، *اصول فقه: مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن*، تهران: میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۵، صص ۳۱ و ۳۲.

۵. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، پیشین صص ۲۱-۱۹؛ همچنین، ر.ک: محقق داماد، سید مصطفی، *مباحثی از اصول فقه*، دفتر دوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۰، صص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۶. یکی از راهکارهای پذیرش تقدم و تأخر، توجه به تقسیم‌بندی ارائه‌شده از سوی قرضاوی است. وی احکام شریعت را در راستای تحقق اهدافی می‌داند که می‌توان برای آنها نوعی تقدم و تأخر رتبی قائل شد. از نظر او، این احکام برای تربیت «انسان»، «خانواده»، «جامعه»، «امت» یا «جامعه بشری» صالح هستند.

Duderija, Adis, *Maqasid Al Shari'a and Contemporary Reformist Muslim Thought: An Examination*, Palgrave MacMillan, 2014, p 55.



اموال و منابع عمومی) نشوند؛<sup>۱</sup> و قس علی‌هذا. بنابراین، به عنوان مثال، اگر با بررسی‌های اقتصادی، این نتیجه حاصل شود که نظر نهی از غیرمتدارک ماندن ضرر بر دیگر نظریات رجحان دارد، باید فارغ از دیگر ادله لفظیه، بدان توسل جست؛ زیرا در حفظ «مال» به عنوان یکی از مقاصد شریعت، کاراثر است؛ از سوی دیگر می‌توان میان مفهوم اجتماعی «ضرر» یا همان ائتلاف منابع و مفهوم فردی آن، به سبب تقدم مصالح مهم‌تر، تقدم و تأخر رتبی قائل شد؛<sup>۲</sup> یعنی می‌توان در مواردی که اضرار فرد از اضرار جامعه جلوگیری می‌کند، به جواز اضرار فرد در بادی امر حکم داد و النهایه از او جبران خسارت کرد.

از این حیث می‌توان ردّپایی از تحلیل اقتصادی حقوق را، چه در عالم جعل گزاره‌های هنجاری و چه در جایگاه بیان گزاره‌های اثباتی، در نظریه مقاصد یافت. البته باید این نکته را در نظریه مقاصد در ذهن داشت که این رویکرد، عقل را قانون‌گذار نمی‌داند و به دنبال تضعیف علت فاعلی یا اراده تشریحی الهی نیست؛<sup>۳</sup> اما با توجه به نقش عقل در فهم احکام معاملات، می‌توان در این حوزه بیشتر از مقاصد شریعت استفاده کرد<sup>۴</sup> و در راستای اجتناب از پیامدهای جانبی منفی ناشی از تفاسیر لفظی، به تفاسیر فرامتنی پناه برد.

۱. البته باید توجه شود که گاهی هرچند ظاهر احکام در بررسی‌های خرد مغایر با مقاصد است، اما در سطح کلان ممکن است بتوان وضع آن را در حمایت از آن مقصد تحلیل کرد، به عنوان مثال، برخی قصاص نفس قاتل در مقام صیانت از نفس از این سنخ ارزیابی کرده‌اند. (حلاق، وائل، *تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی؛ مقدمه‌ای بر اصول فقه سنتی*، ترجمه دکتر محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۹۵، ص ۲۴۸).
۲. جهت مطالعه «اصل تقدم مصلحت جمع بر مصلحت فرد»؛ ر.ک: دارینی، علی، *مصلحت و جایگاه فقهی آن*، راهبرد، بهار ۱۳۸۰، شماره ۱۹، صص ۲۵۵ و ۲۵۶.
۳. شهایی، مهدی، *فلسفه حقوق: مبانی نظری تحول نظام حقوقی از حقوق سنتی تا حقوق مدرن*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹.
۴. عظیمی گرکانی، هادی، *مصلحت‌شناسی با رویکرد حکومتی*، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال پنجم، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۹، ص ۱۱۴.

### نتیجه‌گیری

در ادبیات حقوق و اقتصاد، راهکارهای مختلفی برای تفسیر متون مبهم ارائه شده است. با دقت نظر در این راهکارها و ابزارهای تفسیری، می‌توان تمامی این نظریات را ناظر بر بررسی هزینه‌ها و منافع انتخاب یک تفسیر از میان چند تفسیر ممکن دانست و از نظریه‌ای واحد تحت عنوان «نظریه اقتصادی تفسیر» نام برد. اما صرف معرفی این نظریه در مقام نظر، چندان منشأ اثر نخواهد بود و باید راهی برای ورود آن به عمل یافت.

هر یک از نظام‌های حقوقی، رویکردی را برای تفسیر برگزیده‌اند و سال‌ها است که همان ابزار، ملاک عمل آن‌ها در مقام تفسیر بوده است. نظام‌های حقوقی مبتنی بر احکام اسلامی نیز راهکارهایی را برگزیده‌اند و البته از حیث تکثر، طیف گسترده‌ای از رویکردها، از متن‌گرایی محض گرفته تا عبور موجه از آن را پوشش می‌دهند. در این میان نظریه اصالت ظهور در فقه اهل شیعیه و نظریه مقاصد در فقه اهل سنت بسیار مشهورند و به نظر می‌رسد که بتوان تحلیل‌های اقتصادی را در جوار آن‌ها به کار گرفت.

نظریه اصالت ظهور و نظریه اقتصادی تفسیر ناظر به دو مرحله متفاوت‌اند. لذا می‌توان نظریات اقتصادی را مقدم بر رجوع به متن و الفاظ (به‌عنوان آخرین چاره در امثال حکم آمر) به کار گرفت و همین امر می‌تواند منشأ تحولات بسیاری در قواعد حقوقی برآمده از شرع انور اسلام، خصوصاً در بحث مسئولیت مدنی، باشد؛ بدین نحو که با عبور از معنای مضیق لاضرر، به ضرر جنبه اجتماعی بخشید و سپس، تفسیری از یک قاعده را برگزید که کمترین زیان را به لحاظ اجتماعی ایجاد می‌کند. اما در نظریه مقاصد، این پیوند راحت‌تر برقرار می‌شود. یکی از مقاصد خمس، حفظ «مال» است (امری که به نوعی هدف نظریات اقتصادی تفسیر نیز -آن هنگام که بحث حداکثرسازی منافع عمومی و جلوگیری از اتلاف منابع عمومی در جریان است- بدان معطوف است) و با استناد به آن می‌توان بدون عدول از نظریه حصر مقاصد (به مقاصد خمس)، به راهکارهای مدنظر تفاسیر اقتصادی دست یافت. لذا در میان تفاسیر متعدد، می‌توان تفسیری را ملاک عمل قرار داد که با ضرورت حفظ مال سازگاری بیشتری داشته باشد؛ و این یعنی تقدم منافع بر هزینه‌های تفسیر.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. آقایی، کامران، *مکتب‌های تفسیری در حقوق بر بنیاد هرمنوتیک حقوقی*، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۲. پالمر، ریچارد ا.، *علم هرمنوتیک: نظریه تأویل در فلسفه‌های تسلایر ماخر، دیلتای، هایدگر، گادامر*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس، چاپ نهم، ۱۳۹۵.
۳. جعفری تبار، حسن، *دیو در تئیسسه؛ در فلسفه رویه قضایی*، تهران: نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۴. جعفری تبار، حسن، *فلسفه تفسیری حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمیمولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱.
۶. حسینی (ژرفا)، سید ابوالقاسم، *مقصد‌های شریعت*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۷. حلاق، وائل، *تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی؛ مقدمه‌ای بر اصول فقه سنتی*، ترجمه دکتر محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.
۸. دادگر، یدالله، *اصول تحلیل اقتصادی: خرد و کلان*، تهران: آماره، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۹. سن، میریام، *تنظیم بازار بدون مداخله دولت (شناخت تغییرات نهادی)*، ترجمه سیدعلیرضا شکوهیان، حامد ادریسیان و حیدر سلامی، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۱۰. سیمایی صراف، حسین، *قیاس در استدلال حقوقی؛ مطالعه تطبیقی در فقه، نظام حقوقی ایران و کامن‌لا*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۱. شکوهیان، سید علیرضا، *تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی پزشکی*، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵.

۱۲. شهبابی، مهدی، **فلسفه حقوق: مبانی نظری تحول نظام حقوقی از حقوق سنتی تا حقوق مدرن**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۱۳. فار، مایکل، **تحلیل اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی (بخش نخست: قواعد مسئولیت مدنی کارا)**، ترجمه سیدعلیرضا شکوهیان و حامد ادریسیان، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۱۴. فیض، علیرضا، **مبادی فقه و اصول**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، **ثبوت تجربی تحقیق در حقوق**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۶. گرجی، ابوالقاسم، **ادوار اصول فقه**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۷. محقق داماد، سیدمصطفی، **الهیات محیط زیست**، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۸. محقق داماد، سیدمصطفی، **قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۹. محقق داماد، سیدمصطفی، **مباحثی از اصول فقه**، دفتر دوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۰.
۲۰. مرمور، آندره، **تفسیر و نظریه حقوقی**، ترجمه محمدحسین جعفری و مهسا شعبانی، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲۱. نوبهار، رحیم، **اصول فقه: مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن**، تهران: میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۵.
۲۲. واسعی، سید محمد، **جایگاه عرف در فقه**، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲۳. یاور، اسدالله، مهدی مرادی برلیان و پرهام مهرآرام، **اصول و معیارهای تفسیر قضایی در حقوق عمومی**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۶.

## مقاله

۲۴. الشریف، محمدمهدی و حمید آرابی، **پلورالیسم استدلال حقوقی در پرتو تفسیرهای متعارض**، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۰۷.
۲۵. امیدی، جلیل، **تفسیر قانون در حقوق انگلستان**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۷۶، شماره ۳۸.
۲۶. امینی، منصور و سیدعلیرضا شکوهیان، **بهبینه‌یابی در کارکرد قاعده مسئولیت مبتنی بر تقصیر؛ با تأکید بر مسئولیت مدنی پزشک**، تحقیقات حقوقی، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۷۶.
۲۷. پورسعید، رامین، **بررسی مهمترین چالش‌های اصالة‌الظهور**، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال دوم، بهار ۱۳۸۴، شماره ۳.
۲۸. دارینی، علی، **مصلحت و جایگاه فقهی آن**، راهبرد، بهار ۱۳۸۰، شماره ۱۹.
۲۹. شهابی، مهدی، **«تحلیل اقتصادی حقوق» در کشاکش مدرنیته حقوقی و پست مدرنیته حقوقی**، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱.
۳۰. عظیمی گرکانی، هادی، **مصلحت شناسی با رویکرد حکومتی**، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال پنجم، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۹.
۳۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، **رویکرد عدلیه‌ای به نظریه مقاصد و پیامدهای حقوق بشری آن**، تحقیقات حقوقی، پاییز ۱۳۹۵، شماره ۷۵.
۳۲. کیوانفر، شهرام، **پراگماتیسم حقوقی**، تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴۶.
۳۳. گلشنی، عصمت و سید مهدی حسینی مدرس، **مقایسه اثر مکاتب تفسیری اقتصادی و فرمالیستی بر حقوق**، دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیست‌ودوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۷.
۳۴. نقشبندی، سید نوید، **نظریه حصر ضروریات در مقاصد خمس، مقالات و بررسی‌ها**، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۸۵.

**ب) منابع عربی**

۳۵. شاطبی، ابواسحاق، *المواقفات فی اصول الشریعه*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ هـ.ق.
۳۶. شنقیطی، محمد الامین، *اصول البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن*، مجمع الفقه الاسلامی، بی تا.
۳۷. شنقیطی، محمد الامین، *المصالح المرسله*، مدینه منوره: الجامعه الاسلامیه، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۳۸. عاملی، حسن محمد فیاض حسین، *شرح الحلقه الثالثه*، شرکه دار المصطفی (ص) لایحیاء التراث، ۱۴۲۸ هـ.ق، جلد ۲.
۳۹. غزالی طوسی، ابو حامد محمد بن محمد، *المستصفی*، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۴۰. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، جلد ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.

**ج) منابع انگلیسی****Books**

41. Duderija, Adis, *Maqasid Al Shari'a and Contemporary Reformist Muslim Thought: An Examination*, Palgrave MacMillan, 2014.
42. Gleave, Robert, *Islam And Literalism: Literal meaning and Interpretation In Islamic Legal Theory*, Edinburgh University Press, 2012.
43. Ibn Ashur, Muhammad Al-Tahir, *Ibn Ashur Treaties on Maqasid al-Shari'ah*, Translated from the Arabic and Annotated by: Mohamed El-Tahir El-Mesawi, London: International Institute of Islamic Thought, 2006.
44. Mathis, Klaus, *Consequentialism in Law, in «Efficiency, Sustainability, and Justice to Future Generations»*, Klaus Mathis (Ed), Springer, 2011.
45. Parisi, Francesco and Fon, Vincy, *The Economics of Lawmaking*, Oxford University Press, 2009.
46. Posner, Richard A., *The Problems of Jurisprudence*, Harvard University Press, 1993.

**Articles**

47. Burton, Steven J., "A Lesson On Some Limits of Economic Analysis: Schwartz and Scott on Contract Interpretation", *Indiana Law Journal*, Vol.88, Issue.1, Article6, 2013.
48. Cohen, George M., "Posnerian Jurisprudence and Economic Analysis of Law: The View from the Bench", *University of Pennsylvania Law Review*, Vol.133, Iss.5, 1985.

49. Opwis, Felicitas, " New Trends in Islamic Legal Theory: Maqasid al-Sharia as a New Source of Law", *Die Welt Des Islams*, Vol.57, Iss.1, 2017.
50. Posner, Richard A., " Statutory Interpretation: In the Classroom and in the Courtroom", *University of Chicago Law Review*, Vol.50, No.800, 1983.
51. Post, Robert, " Theories of Constitutional Interpretation", *Representation*, No.30, Special Issue: Law and the Order of Culture, Spring 1990, University of California Press, p. 14.
52. Rizzo, Mario J. and Arnold, Frank S., " An Economic Framework for Statutory Interpretation", *Law and Contemporary Problems*, Vol.50, No.4, Autumn 1987.
53. Wald, Patricia, " Limits On the Use of Economic Analysis in Judicial Decision-making", *Law and Contemporary Problems*, Vol.50, No.4, Autumn 1987.

